

# صد کلمہ چہار یار نبی

تألیف:

رشید الدین وطواط

تصحیح:

دکتر سید محمد باقر کمال الدینی

مہدی پای برپی

سرشناسه : رشید وطواط، محمد بن محمد، ۴۸۰ - ۴۵۷۳ ق.  
عنوان و نام پدیدآور : صد کلمه چهار یار نبی/ تالیف رشیدالدین وطواط؛ تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، مهدی پای‌بربی.  
مشخصات نشر : یزد: کمال، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری : ۳۰۰ ص: نمونه.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۲۳-۰۲-۵ ریال ۱۵۰۰۰۰  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع : رشید وطواط، محمد بن محمد، ۴۸۰ - ۴۵۷۳ ق.-- سرگذشتنامه و کتابشناسی  
موضوع : حدیث -- متون قدیمی تا قرن ۱۴  
شناسه افزوده : کمال‌الدینی، سیدمحمدباقر، ۱۳۲۵ -، مصحح  
شناسه افزوده : پای‌بربی، مهدی، ۱۳۶۱ -، مصحح  
رده بندی کنگره : ۴۱۳۹۳ ص ۵/ BP107/6  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۶  
شماره کتابشناسی : ۳۶۱۷۰۸۰  
ملی

عنوان: صد کلمه چهار یار نبی

مؤلف: رشید وطواط

مصحح: دکتر سید محمدباقر کمال‌الدینی، مهدی پای بر بی

ناشر: کمال

چاپ: نگارستان

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۲۲-۰۲-۵

## فهرست مطالب

|     |                 |
|-----|-----------------|
| ۷   | • مقدمه         |
| ۲۷  | • مطلوب كل طالب |
| ۱۲۱ | • فصل الخطاب    |
| ۱۸۱ | • تحفة الصديق   |
| ۲۳۳ | • انس اللفان    |
| ۲۸۷ | • منابع         |

## مقدمه

بی شک برای پی بردن به سبک و شیوه ادبی هر عصری، شناخت آثار مشاهیر نظم و نثر آن دوره ضروریست. از این رو شناسایی آثاری که بتواند به بررسی و شناخت زبان و ادب آن دوره یاری رساند، ارزشمند است.

دوره خوارزمشاهیان عصری است که با حمله و تاراج قوم تاتار و از بین رفتن آثار و میراث گرانبهای مکتوب زبان پارسی، کمتر مورد پژوهش و تحقیق دقیق ادبی و علمی قرار گرفته است.

از جمله منابعی که در مورد خوارزمشاهیان بوده و از میان رفته است، می توان به "شاهنشاهنامه" اثر محمد پاییزی (عوفی، ۱۳۶۱: ۳۴۵)، "تاریخ خوارزمشاهی" اثر سید صدر الدین نیشابوری، "مشارب التجارب" از ابن فیدوق، تاریخ خوارزم از ارسلان خوارزمی، "رساله العاصمیه" از شهاب الدین سهروردی و رساله های شهنشاه نیشابوری اشاره کرد. (جوینی، ۱۳۶۷: ۱/۲)

از این رو جمع آوری و معرفی آثار باقی مانده بزرگان این دوره از تاریخ ادبی و فرهنگی ضروری می نماید. از جمله کسانی که آثار باقی مانده او در دوره خوارزمشاهیان چشمگیر و برجسته است، رشید الدین وطواط است. وی حدود سی سال صاحب دیوان انشاء آتسز خوارزمشاه بوده و تقرب زیادی نزد او داشت. آثار نسبتاً فراوانی از وطواط در دو زبان فارسی و عربی بجای مانده اما تعداد اندکی از آنها به چاپ رسیده و متأسفانه

اغلب آثار او حتی برای اهل فضل و ادب نیز ناشناخته مانده است. لذا معرفی، جمع آوری و چاپ این پاره های پراکنده، خدمت ناچیزی به این میراث ماندگار خواهد بود.

یکی از آثار وطواط که تاکنون به صورت خطی در گوشه های کتابخانه ها مانده بود و لباس طبع به تن نکرده و بازار ارادت ارباب معرفت پا ننهاده بود، مجموعه ای شامل چهار رساله با عناوین "مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابیطالب"، "فصل الخطاب من کلام عمر بن خطاب"، "تحفه الصدیق من کلام ابوبکر صدیق"، و "انس الهمان من کلام عثمان بن عفان" است.

این رساله ها چنانکه از عنوانشان پیداست، حاوی احادیث خلقای راشدین است که به قلم رشید الدین وطواط شرح و بسط یافته و علاوه بر آن، محتوای کلمات دو رساله "مطلوب کل طالب" و "فصل الخطاب" به رشته نظم فارسی کشیده شده است.

در این مقدمه کوشش بر این است که این مجموعه - که اکنون به صورت کتابی واحد عرضه می گردد - شناسانده شود. برای حصول این مطلوب، ابتدا شرح مختصری از زندگی وطواط ارائه می گردد، سپس به معرفی آثار بجا مانده از وی پرداخته خواهد شد و در نهایت مجموعه مورد نظر، نسخه های خطی موجود و نسخه نویافته ای از این مجموعه شرح و بررسی خواهد شد.

### شرح حال نویسنده:

رشید الدین سعدالملک محمد؛ فرزند محمد عبدالجلیل عمری است که نسبتش با یازده واسطه به خلیفه دوم میرسد. محل ولادتش بلخ بوده و در مدرسه نظامیه همان شهر قسمتی از تحصیلات خود را نزد استادی به نام ابوسعید هرویه انجام رسانید و بعد از اتمام تحصیلات خود و کسب مهارت در شعر فارسی و عربی به خوارزم رفت.

(صفا: ۱۳۷۳: ج ۲: ۶۲۸)

رشید و طواط در اوائل حکومت اتسر به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دربار خوارزمشاهیان روزگار گذراند و در آنجا سمت صاحب دیوانی رسائل داشته و همیشه ملازم سلطان بوده است. اتسر غالباً با او به گفتگو می نشست و از این باب لذت بسیار می برده بطوری که سلطان در ستایش او این رباعی را گفت:

از فضل، سرت بر آسمان می ساید      ز آن بر سر تو موی همی برناید  
ما را سر تو چو دیده در می باید      بر دیده اگر موی نباشد، شاید

(عوفی: ج ۱: ص ۳۷)

تخلص رشید به «وطواط» از بابت کوچکی جثه و ضعفی اندام او بود، چراکه و طواط نام مرغی از گونه پرستو است. (صفا: ۱۳۷۳: ۶۲۸)

حکایاتی زیبایی را از زندگی رشید الدین روایت کرده اند که شنیدن آن دلپذیر و در شناختن او راهگشاست:

روزی در مجلس اتسر، بحث و مناظره ای در میان علما در گرفته بود، رشید در آن مجلس حاضر بود. دواتی در پیش او نهاده بود و در مناظره و بحث، تیز زبانی آغاز کرده بود. اتسر در او نگرست و از روی ظرافت گفت: دوات را بردارید تا معلوم شود کیست که از پشت آن سخن می گوید؟ رشید آیین تحقیر را<sup>۶</sup> دریافت، برخاست و گفت: المرء باصغریه، قلبه و لسانه! (صفا: ۱۳۷۳: ۶۲۹)

می گویند در سال ۵۴۲ سلطان سنجر برای سرکوب اتسر به خوارزم لشکر کشید و قریه هزارسف را دو ماه در حصار گرفت. در این سفر، انوری در خدمت سلطان سنجر بود. وی این دو بیت را بر تیری نوشت و در هزارسف انداخت:

<sup>۶</sup> عبارت آیین تحقیر را از ماست.

ای شاه همه ملک زمین حسب تراست      وز دولت و اقبال جهان کسب تراست

امروز به یک حمله هزارسف بگیر      فردا خوارزم و صد هزار اسب تراست

وطواط در هزارسف بود ، جواب این رباعی را بر تیری نوشت و بینداخت:

گر خصم تو ای شاه بود رستم گرد      یک خر ز هزارسف تو نتواند برد

چون سلطان هزارسف را گرفت، به سبب این بیت و اشعار دیگری که وطواط در تهنیت پادشاهی اتسز گفته بود، از او آزرده خاطر بود. سوگند یاد کرد که اگر او را بیابد، هفت عضو او را از یکدیگر جدا کند. وطواط مدتی از بیم سلطان سنجر فراری بود و چون دید از فرار حاصلی بدست نمی آید، به درباریان و بزرگان متوسل شد و بعد از مدتی به منتجب‌الدین بدیع که کاتب سنجر بود پناه برد. یک روز منتجب‌الدین به عادت هر روز بامداد به خدمت سلطان رفت و بعد از آنکه از هر دری سخن رانده شد، بتدریج از در شوخی درآمد و کلام را به رشید وطواط کشانید و از سلطان خواست که به خواهش او گوش دهد سپس گفت: "وطواط مرغی ضعیف است طاقت آن ندارد که به هفت تکه تقسیم شود اگر فرمان دهید او را به دوباره تقسیم کنیم". سلطان را این کلام خوش آمد و جان وطواط ببخشید.

بعد از این تاریخ، رشید همچنان در خدمت اتسز بسر برد تا در سال ۵۴۷ عده‌ای او را به داشتن روابطی با کمال‌الدین محمود بن ارسلان؛ والی چند متهم کردند. اتسز بر او خشم گرفت و وی را از خدمت خود برانند. وطواط برای رفع تهمت از خود و اثبات بی گناهی قاصد بسیاری سروده تا اتسز دوباره با وی بر سر لطف آمد و او را به مشاغلی که قبل از آن داشته بر گرداند. (جوینی: ۱۳۸۵: ۳۸۰-۳۸۱)

در سال ۵۵۱ اتسز درگذشت و عطاملک جوینی در تاریخ جهانگشا می نویسد که رشید‌الدین وطواط بر سر جنازه او می گریست و به دست اشاره می کرد که:

شاهها فلک از سیاست می لرزید      پیش تو به طبع بندگی می برزید

صاحب نظری کجاست تا در نگرد      تا آن همه مملکت بدین می ارزید

(جوینی: ۱۳۸۵: ۳۸۳)

بعد از وفات اتسز، رشید مدتی در خدمت پسرش ایل ارسلان بسر برد، ولی پس از مدتی به علت کهولت از خدمت کناره گیری کرد. در سال ۵۶۸ که سلطان علاء الدین تکش بر تخت سلطنت خوارزمشاهیان نشست، وطواط پیری فرتوت بود و سنش از هشتاد گذشته بود چنانکه او را بر تخت کوچکی پیش سلطان آوردند. وطواط گفت هر کس به قدر قریحه خود تهیتی گفته و من به سبب کهولت این رباعی را تقدیم می-کنم:

جدت ورق زمانه از ظلم بشت      عدل پدرت شکستها کرد، درست

ای بر تو قبای سلطنت آمده جست      هان تا چه کنی که نوبت دولت توست

(جوینی: ۱۳۸۵: ۳۸۶)

رشیدالدین در سال ۵۷۳ ق در خوارزم دیده از جهان فرو بست. (حموی، ۱۳۲۹: ۳۰).

وطواط از محدود ادیبانی است که او را در نظم و نثر فارسی و عربی استاد و بخصوص "در شناخت دقایق کلام عرب و اسرار نحو و ادب" از سرآمدان روزگار دانسته اند. (عوفی: جزء ۱۹: ص ۲۹)

چنانکه گفته اند، رشید وطواط در تاریخ شعر و ادب فارسی از گویندگان طراز اول نیست، (جبلی: ۶۱۳) اما "در فنون انشاء و نظم و نثر فارسی و عربی تبحر فراوانی داشت". (حموی، ۱۳۲۹: ۲۹) او به دلیل اینکه در دو زبان فارسی و عربی متبحر بود و تألیفاتی به هر دو زبان دارد، از ادیبان و شاعران "ذواللسانین" به شمار می رود.

مشاعره او با شاعران بزرگی چون ادیب صابر و خاقانی شروانی و ستایشهای آنها از وی، همچنین گفتگوها و بحثهای دقیق او با عالمان روزگار مانند علامه جلاله زمخشری (م: ۵۳۸) و حسن قطان مروزی، نشان می دهد که به شایستگی، تحسین آنها را برانگیخته است. (وطواط: ۱۳۶۲: مقدمه)

شعر فارسی و طواط، مجموعه ای از صنایع شعری است که با کمال استادی و در عین تکلف بیان شده است و سلاست بیان و سلامت الفاظ را از دست نداده است. (خسرو بیگی: ۱۳۸۸: ۱۱).

عبدالله واسع جبلی، از شاعران معاصر رشید، هنر شاعری و تبحر او را در علوم، چنین توصیف کرده است: (جبلی: ۶۱۳)

عالم علم رشیدالدین در باغ خرد آن درختی است که همواره هنر بار دهد

گرچه در گفتن اشعار چنان متفرد است که همه کس به بزرگی وی اقرار دهد

آن تبحر که در انواع علوم است او را خاطر خویش نزیبد که به اشعار دهد

### آثار و طواط:

رشید پس از درگذشت اتسز خوارزمشاه، بنابر آن چه از دیوان او برمی آید، از دربار دور مانده و همین احوال بود که او را به خود آورد و فرصتی دست داد که به جمع و تدوین منشآت خویش و ترتیب رساله هایی بپردازد.

این رساله هادر موضوعاتی مانند عروض و لغت، پند و حکمت (به صورت منتخباتی از سخنان بزرگان و نیز گزیده هایی از گفته های خود) با نام صد کلمه یا صد پند نوشته شده اند.